

معرفی متون مقدس و منابع دینی آیین سیکه

سید محمد روحانی*

اشاره

معمولاً هر دینی دارای متن یا متون مقدسی است که مهم‌ترین و بنیادی‌ترین آموزه‌های آن را دربردارد؛ به همین دلیل بهترین شیوه برای شناخت یک دین، بررسی متون مقدس آن است. این شیوه در مورد آیین سیکه کاربرد بیشتری دارد؛ چراکه جایگاه کتاب مقدس گوروگرنته صاحب در این آیین بسیار فراتر از یک متن مقدس است و به‌عنوان تنها پیشوا، و تجلی خداوند شناخته می‌شود. به غیر از کتاب مقدس، چند متن دیگر نیز در این آیین دارای تقدس و اعتبار هستند؛ مانند دَسَم گرنته که اشعار منسوب به دهمین پیشوای این آیین را دربردارد؛ اشعار آن در نیایش‌های روزانه سیکه‌ها استفاده می‌شود. مجموعه اشعار دو تن از یاران گوروی پنجم و دهم به نام‌های بهایی گورداس و بهایی نندلال گویا که به‌عنوان مفسر کتاب مقدس، بسیار مورد احترام سیکه‌ها هستند و همچنین متونی تاریخی-دینی به نام جنم ساکھی‌ها که شامل شرح زندگی اولین پیشوای این آیین گورونانک هستند. در این نوشتار ضمن آشنایی با ساختار و محتوای این متون مقدس، جایگاه دینی آنها مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

کلیدواژه‌ها: گوروگرنته صاحب، دسم گرنته، وار، گورداس، نندلال، جنم ساکھی.

مقدمه

معمولاً در هر دینی در کنار کتاب مقدس، شخصی نیز به‌عنوان پیشوا، یا مرجع دینی، به شرح و توضیح تعالیم آن متن مقدس می‌پردازد؛ اما امروزه در آیین سیکه چنین مقامی وجود ندارد؛^۱ زیرا کتاب مقدس این آیین که گوروگرتنه صاحب نام دارد، نه فقط به‌عنوان یک کتاب مقدس، مانند انجیل برای مسیحیان یا قرآن برای مسلمانان، بلکه بسیار فراتر از آن، به‌عنوان گوروی زنده و جاودان سیکه‌ها از جایگاه دینی ویژه‌ای برخوردار است. شاید به دلیل همین تلقی خاص باشد که سیکه‌ها با این کتاب همچون یک پادشاه رفتار می‌کنند نه یک کتاب مقدس! و برای قرائت و نگهداری آن آداب سخت‌گیرانه‌ای وضع کرده‌اند (Singh, 1997: 15).

گوروگرتنه صاحب (آدیگرتنه) (Guru Granth Sāhib (Ādī Granth))

امروزه سیکه‌ها کتاب مقدس خود را «شُری^۲ گوروگرتنه صاحب جی^۳» (Sri Guru Granth Sāhib jī) می‌نامند، ولی این کتاب پیش از انتصاب به‌عنوان جانشین همیشگی دهمین و آخرین گوروی سیکه، گوروگوبند سینگه (Guru Gobind Singh)، به اسم آدیگرتنه (Ādī Granth) نامیده می‌شد. واژه «آدی» در سنسکریت به معنی نخستین و «گرتنه» به معنی کتاب است؛ بنابراین معنی این واژه «کتاب نخستین» است. جمع‌آوری آدیگرتنه به‌عنوان یک کتاب دینی، از دوران دومین گورو، گوروآنکد، شروع شد و در زمان پنجمین گورو، گوروارجن، با تدوین آن به صورت کتابی مستقل ادامه پیدا کرد (Singh Mansukhani, 1968: 95).

گوروگرتنه صاحب شامل سه دسته شعر است: نخست، اشعار شش گوروی سیکه،

۱. البته در آیین سیکه فرقه‌هایی نیز وجود دارند که در کنار کتاب مقدس گوروگرتنه صاحب، فردی را نیز به‌عنوان گورو و جانشین گوروهای پیشین می‌پذیرند، این گروه از سیکه‌ها نامدھاری (Nāmdhārī) و نیرنکاری (Nirankārī) نام دارند. ولی بحث اصلی ما در این تحقیق، اکثریت قریب به اتفاق سیکه‌ها است که به سیکه‌های خالصا مشهور هستند.

۲. Sīrī, Śīrī؛ پیشوندی برای احترام، معادل حضرت یا عالی‌جناب.

۳. Āī؛ پسوندی است که در اکثر زبان‌های هندی، از جمله پنجابی، برای احترام بعد از اسم آورده می‌شود.

یعنی سروده‌های پنج گوروی اول (گورونانک، انگد، امرداس، رامداس و ارجن) و گوروی نهم (گوروتغ‌بھادر). البته سروده‌های گوروی نهم، تقریباً یک قرن بعد از گوروارجن، در سال ۱۷۰۶ توسط پسر گوروی نهم، یعنی گوروگوبندسینگه که آخرین گوروی انسانی سیکه بود، به کتاب گوروگرتتھ صاحب افزوده شد و پس از آن هرگونه تغییر در آن کتاب را منع کرد. دوم، سروده‌های صوفیان و عرفای مسلمان مانند بابا شیخ فریدالدین گنج شکر، کن‌جی، و بھکتی‌های هندو مانند کبیر، نامدو، راویداس و راماننده، و سوم، اشعار نقال‌ها و حماسه‌سرایانی از اصحاب گورونانک و جانشینان او که بھت (Bhat) نامیده می‌شوند. مشهورترین آنان یار و همراه وفادار مسلمان و ایرانی‌الاصل گورونانک، مردانا، (Mardāna) است (Dogra, 1997: 3).

کتاب مقدس سیکه کاملاً به نظم نوشته شده است؛ اما نوع و سبک اشعار بسیار مختلف است. امروزه تمام نسخه‌های این کتاب ۱۴۳۰ صفحه دارد که هر صفحه شامل ۲۷ سطر ۳۵ کلمه‌ای است. در این کتاب شش زبان به چشم می‌خورد: پنجابی، مولتانی، فارسی، پُراکرت، هندی و مَرائِھی. علاوه بر این، گاه لهجه‌های محلی مختلفی نیز در کتاب دیده می‌شود. البته تمام مطالب به خط گوروموکھی (Gurmukhī) — که در زمان گوروانگد به‌عنوان خط رسمی سیکه‌ها ترویج شده بود — نوشته شده است.

گوروارجن علاوه بر جمع‌آوری سروده‌های پراکنده گورونانک و سایر بھکتی‌ها و صوفیان مسلمان، این اشعار را مطابق با مقامات موسیقی هندی که راگ (Rāg) نامیده می‌شوند ترتیب داد و آدی‌گرتتھ را به سی راگ تقسیم کرد. بعدها گوروگوبندسینگه نیز با افزودن یک راگ از بانی‌های گوروتغ‌بھادر، تعداد راگ‌های آن را به ۳۱ رساند. در حقیقت گوروارجن با آهنگین کردن قرائت کتاب آدی‌گرتتھ، سنتی را ادامه داد که گورونانک با اقتباس از صوفیان مسلمان بنا نهاده بود. گورونانک همواره از موسیقی به‌عنوان ابزاری مؤثر برای تبلیغ اندیشه‌ها و تعالیم خود بهره می‌گرفت. نانک هر گاه احساس می‌کرد که به او الهام می‌شود، فوراً از مُرید خود، مردانای نوازنده، می‌خواست که وی را در هنگام سرودن اشعارش با نواختن سازی به نام رباب همراهی کند (Sarbjandar Singh, 2004: 19). شاید دلیل این کار نانک این بوده است که وی قبلاً با بھکتی‌ها و صوفی‌هایی که برای بیان تعلیماتشان از موسیقی به‌عنوان ابزاری تأثیرگذار استفاده می‌کردند، آشنا بوده و به کارکرد آن در جذب مخاطب و تأثیر بر او آگاه بوده

است. به هر حال امروزه نزد سیکه‌ها این متن مقدس با نام گوروگرتنه صاحب، به‌عنوان کلام الاهی و گوروی جاودان شناخته می‌شود.

جایگاه والای گوروگرتنه صاحب در آیین سیکه وقتی برای ما بهتر روشن می‌گردد که به معبد سیکه‌ها، که گوردوارا (Gurdwara) نام دارد، وارد می‌شویم؛ همه سیکه‌ها بعد از ورود به گوردوارا با احترام خاصی در مقابل کتاب مقدس به خاک می‌افتند؛ برخی به سبک سجده مسلمانان به خاک می‌افتند، برخی مانند هندوان یا بودائی‌ان تمام قد به سینه دراز می‌کشند و برخی نیز خم می‌شوند و بینی خود را چند بار به زمین می‌مالند.

کتاب مقدس نه در قفسه‌ای در کتاب‌خانه یا حتی روی رحل بلکه روی یک سریر پادشاهی با سقفی زیبا و سایبانی بر فرازش، قرار دارد و فردی در پشت کتاب با بادبزی از موی گاو تبنی یا پر طاووس، به نشانه احترام و بندگی، آن را باد می‌زند! کتاب با پارچه‌های زیبا و زربفت پوشانده شده است تا جایی که در نگاه اول کتاب اصلاً دیده نمی‌شود. شب هنگام هم کتاب را با احترام خاصی بر روی تخت روان به اتاقی مخصوص برده، روی تخت خوابی زیبا می‌خوابانند و حتی روی آن را با پتو می‌پوشانند!

کسی که با اعتقادات سیکه‌ها آشنا نباشد تصور می‌کند آنان واقعاً مشغول پرستش همین کتاب هستند؛ ولی در واقع تمام این کارها جنبه نمادین دارند و نشانه محوریت و جایگاه والای گوروگرتنه صاحب در آیین سیکه هستند. آنچه به گوروگرتنه صاحب چنین جایگاهی می‌دهد، باور به تجلی خداوند در کلام است. سیکه‌ها معتقدند خداوند از طریق کلام، که به آن گوربانی (Gurbani) یا شَبَد (Shabad-Shabd) می‌گویند، از طریق پیشوایان سیکه و همچنین عرفا و بهکتی‌های هندو و مسلمان تجلی کرده است؛ به همین دلیل گوروگرتنه صاحب که دربرگیرنده این کلمات الاهی است، نمونه‌ای کامل از گوربانی و تجلی تام کلام الاهی محسوب می‌شود.

ਪੋਥੀ ਪਰਮੇਸਰ ਕਾ ਸਾਹੁ ॥

پوتھی پرِمسر کا تھان

(Guru Granth Sāhib, Sarang, کتاب مقدس جایگاه خدای برترین است)

.Mahlā5: 1226)

این شبَد نشان‌دهنده جایگاه خاص کتاب گوروگرتنه صاحب در آیین سیکه است طبق بیان این شبَد کتاب مقدس گوروگرتنه صاحب، نه فقط یک کتاب دینی بلکه در حقیقت محل تجلی خداوند است. در شبَدی دیگر، گوریانی خودِ خداوند معرفی شده است:

ਗੁਰਮੁਖਿ ਬਾਣੀ ਬ੍ਰਹਮ ਹੈ ਸਬਦਿ ਮਿਲਾਵਾ ਹੋਇ ॥

گورموکھی بانی برهم هے سبدے ملاوا هوئے
کلام گورموکه (عارف)^۱ خود خداوند است. به واسطه شبَد، ما با او (خداوند)
متحد می شویم (Ibid, Sri Rāg, Mahlā3: 39).

سیکها معتقدند هنگامی که به گوردوارا می‌روند و در حضور گوروگرتنه صاحب قرار می‌گیرند یا به قرائت آهنگین کتاب مقدس (Kirtan) گوش می‌سپارند، از همه لحظات دیگر به واهه گورو^۲ (خداوند) نزدیک‌تر هستند. پس می‌توان گفت علت اصلی گورو دانستن کتاب مقدس گوروگرتنه صاحب این است که اولاً گوروگرتنه صاحب از اشعار گوروها و بهکتی‌هایی تشکیل شده است که اشعارشان بیان‌کننده الهام الهی^۳ تلقی می‌شود. ثانیاً، خداوند نیز از طریق کلام خود برای انسان جلوه‌گر شده است که این تجلی در این کتاب نمایان شده است.

۱. در اینجا تذکر این نکته ضروری است که مفهوم بانی در آیین سیکه همچون وحی در دین اسلام نیست. در اسلام دریافت وحی مختص حضرت پیامبر اکرم (ص) است ولی در باور سیکه دریافت بانی منحصر به فرد خاصی به‌عنوان گورو نیست، بلکه هر فردی از هر دین و آیینی می‌تواند خود را به مقام گورموکه (فانی فی الله) برساند و صلاحیت دریافت بانی را پیدا کند. به همین دلیل است که در کتاب گوروگرتنه صاحب سروده‌های عرفای مسلمان و هندو با عنوان بهگت بانی در کنار سروده‌های گوروها به‌عنوان کلام الاهی درج شده است.

۲. Wahi Guru؛ نامی که معمولاً در نیایش‌های این آیین برای نامیدن خداوند به کار می‌رود. این کلمه از دو بخش «واهی» به معنی شگفت‌آور و «گورو» که در اینجا به معنی خداوند است تشکیل شده است بنابراین معنی این کلمه «خدای شگفت‌انگیز» (Wonderful God) است.

۳. البته با توجه به تفاوت‌هایی که بین مفهوم پیامبر در اسلام و گورو در سیکه وجود دارد، به هیچ وجه نمی‌توان مفهوم گوریانی یا شبَد در آیین سیکه را معادل وحی در اسلام دانست.

वाहु वाहु बाणी निरंकार है तिसु जेवहु अवतु न कोएि ॥

واهُ واهُ بانى نيرنکار هي تيس جوڈ اور ن کوئی
به به ! بانى (چهره) خداونده بى شکل است، هيچ کس برتر از او نيست
(Ibid, Gujri ki Vār, Mahlā3: 515)

طبق آموزه‌های سیکه ذات الهی برای انسان قابل درک و فهم نیست و از طرفی هم انسان برای عبادت خالصانه نیاز به شناخت و ارتباط با خداوند دارد، در نتیجه خداوند خود را به صورت کلام، شَبْد گورو، برای انسان آشکار کرده است. البته این امر، به معنی خدا بودن الفاظ و یا خود کتاب نیست^۲ تا این مفهوم به /وتاره^۳ در آیین هندو تشابه پیدا کند. بلکه آنچه مد نظر سیکه‌ها است مفهوم و معنی بانى‌هایی است که در گوروگرتنه صاحب وجود دارد.

ਸਤਿਗੁਰ ਵਿਚਿ ਆਪੁ ਰਖਿਓਨੁ ਕਰਿ ਪਰਗਟੁ ਆਖਿ ਸੁਣਾਇਆ ॥

ستگور وچي آپ رکهان کرے پرگٹ آکھے سونائیا
خدا خود را در وجود ستگورو قرار داده است، او خود را آشکارا (در وجود ستگورو) نشان داده است.

ਸਤਿਗੁਰ ਮਿਲਿਐ ਸਦਾ ਮੁਕਤੁ ਹੈ ਜਿਨਿ ਵਿਚਹੁ ਮੋਹੁ ਚੁਕਾਇਆ ॥

ستگور ملای سدا مکتے هي جنے وچه موه چکائیا
رهایی ابدی با دیدار ستگورو که عشق درونی آدمی به این جهان را از میان برمی‌دارد، حاصل می‌شود (Ibid, āsā, Mahlā1: 466).

این شَبْد از گوروگرتنه صاحب می‌تواند شاهد دیگری بر این باور سیکه‌ها باشد.

۱. واؤه واؤه، لفظی است که معمولاً در فرهنگ هندی برای ابراز شادی و خوشی به کار می‌رود، تقریباً معادل «به به» در فارسی.

۲. کتاب گوروگرتنه صاحب تا وقتی که قابلیت قرائت بانى را داشته باشد با احترام نگهداری می‌شود اما زمانی که بر اثر مرور زمان کهنه و فرسوده شد و امکان استفاده از آن نبود، آن را سوزانده و از بین می‌برند. اگر در نظر سیکه‌ها خود الفاظ و یا کتاب تجلی خدا دانسته می‌شد، معنی نداشت که آن را از بین ببرند. البته این به معنای آن هم نیست که جسم فرسوده کتاب و الفاظ آن هیچ احترامی ندارد و با سایر اشیا در یک عرض است.

۳. Avtara؛ تجسد خداوند در زمین. به عقیده هندوان ویشنو ده تجسد در زمین داشته است.

طبق بیانی که در این شبده ملاحظه می‌کنیم، خداوند خود را در وجود ستگورو قرار می‌دهد. با توجه به اینکه اوتاره، تنزل یا تجسد الاهی در بدن انسانی، به شدت در تعالیم آیین سیکه نفی شده است، بسیار بعید به نظر می‌رسد که منظور از این ستگورو یک گوروی انسانی باشد، بلکه آنچه محتمل‌تر به نظر می‌رسد این است که منظور همان گوروی حقیقی یعنی بانی باشد که خداوند خود را در آن برای انسان آشکار کرده است.

نکته دیگری که در اینجا می‌توان بررسی کرد، انگیزه گوروی دهم از تحویل مقام گورویی سیکه‌ها، به کتاب آدی‌گرتته است. در این باره دو دیدگاه عمده وجود دارد: دیدگاه اول دیدگاه محققان غیرسیکه است. که معتقدند علت اصلی اینکه گوروگوبندسینگه کتاب آدی‌گرتته را به‌عنوان جانشین خود بر گورگدی (تختی که گورو بر آن می‌نشست و پیروانش را ارشاد می‌کرد) نشانند دو واقعیت مهم بوده است: اولاً هر چهار پسر او در کودکی به دست مغولان کشته شده بودند و از نسل او کسی برای جانشینی‌اش وجود نداشت، ثانیاً او می‌دانست که بعد از مرگش بر سر مقام گورویی — که در آن زمان دیگر کاملاً حالت سلطنت به خود گرفته بود — جنگ و درگیری پیش خواهد آمد و این خطر بزرگی برای آیین سیکه محسوب می‌شد؛ چراکه امکان داشت حاکمان مغول که همیشه در جست‌وجوی فرصتی برای نابود کردن آیین سیکه بودند، با استفاده از این اختلاف این آیین را نابود کنند. پس او بهترین راهی را که از این اختلافات جلوگیری می‌کرد برگزید و خاتمه یافتن سلسله گوروهای انسانی و تحویل مقام گورویی به گورشبد که در کتاب گوروگرتته صاحب موجود بود را اعلام کرد.

اما دیدگاه دومی هم وجود دارد که با باور پیروان آیین سیکه تناسب بیشتری دارد. طبق باور آنان، تحویل مقام گورویی به کتاب گوروگرتته صاحب به حکم الهی انجام شد و حکمت اصلی آن تکمیل نزول گوربانی، به‌عنوان گوروی حقیقی سیکه‌ها بوده است. دانشمندان سیکه به شدت با نظر آن دسته از محققان که انگیزه گوروی دهم از تحویل مقام گورویی به کتاب مقدس را نداشتن فرزند و وارثی از نسل خودش تلقی می‌کنند، مخالفت می‌کنند؛ چراکه به عقیده آنان مقام گورویی، هیچ ارتباطی به نسل یا خانواده گورو ندارد و گوروی دهم نیز می‌توانست مانند گورونانک که یکی از

شاگردانش را، به جای فرزندانش، به مقام گوروپی منسوب کرد، شاگرد یا مُریدی را به این مقام برگزیند.

به هر حال می‌توان گفت جایگاه گوروگرتنه صاحب به‌عنوان قلب ایمان سیکه از دو باور مهم سیکه‌ها نشئت می‌گیرد: نخست، عقیده به گوربانی به‌عنوان تنها تجلی قابل درک خداوند برای مؤمنین و اینکه کتاب گوروگرتنه صاحب مجموعه جامعی از این گوربانی‌هاست و دوم، انتصاب رسمی کتاب مقدس به‌عنوان گوروی جاوید سیکه توسط گوروی دهم.

بخش‌های مهم گوروگرتنه صاحب

محتوای گوروگرتنه صاحب بیشتر مباحث عرفانی، و دعا و نیایش است. مهم‌ترین بخش‌های این کتاب عبارت‌اند از:

۱. جپ‌جی صاحب (Japji Sahib): واژه «جپ» به معنی ذکر است. این شعر که هفت صفحه آغازین کتاب مقدس سیکه را به خود اختصاص داده، شامل ۳۸ قطعه بلند و بی‌قاعده است که به آن سلوک (Slok) می‌گویند. جپ‌جی صاحب که سروده گورونانک است در نیایش صبحگاه سیکه‌ها خوانده می‌شود.

۲. سُدَر رَه راس (Sodar Rah Ras): واژه «سُدَر» نام سبک خاصی از شعر در زبان هندی است، «رَه» به معنی اجرا کردن و «راس» نیز به معنی خواندن آهنگین است. این شعر که تقریباً شامل چهار صفحه از کتاب مقدس است، در اصل سروده گورونانک است ولی بعدها ابیاتی از گورورام‌داس و گوروارجن نیز به آن افزوده شده است. سیکه‌ها از این شعر به‌عنوان نیایش شامگاهی خود استفاده می‌کنند.

۳. کیریتی سُهیلا (Kiriti Sohila): واژه «کیریتی» از ریشه سنسکریت «کیرتی (Kirti)» به معنی ستایش و «سُهیلا» به معنی نغمه شادی است. این شعر که کمی بیش از یک صفحه است سروده گورونانک و چند تن از جانشینان او است. هر سیکه متدین ملزم است قبل از خواب این شعر را بخواند.

باقی گوروگرتنه صاحب به ۳۱ بخش تقسیم شده است.^۱

1. Sri Rāg, Maja, Gauri, Āsā, Gujri, Dev Gandhāri, Bihagra, Wad Hans, Sorath (Sort), Dhanasri, Jait Sri,

این قسمت‌ها شامل ۱۳۳۹ صفحه از کتاب مقدس سیکه است که اشعار گوروها و بهکتی‌ها را دربردارد.

۴. **بُهگ** (Bhog): این واژه در سنسکریت به معنی شریک بودن در چیزی، به کار می‌رود، ولی در اصطلاح آیین سیکه این واژه به اشعاری اطلاق می‌شود که در انتهای کتاب مقدس قرار دارند. این بخش که با چهار سُلوک به زبان سنسکریت از گورونانک آغاز می‌شود، با اشعاری از گوروارجن و بهکتی‌های هندو و مسلمان مانند کبیر و شیخ فرید ادامه پیدا می‌کند.

۵. **بُهگ کی بانِی** (Bhog ki Bānī): به معنی شعر پایانی. این بخش شامل هفت صفحه‌ی انتهایی گوروگرتنه صاحب است (Dogra, 1997: 3).

دَسَم گُرتنه (Dasam Granth)

نام کامل این کتاب «دَسون پاتشاه کا گُرتنه» (Dasven Pātshah kā Granth) به معنی کتاب دهمین پادشاه است که به اختصار دَسَم گُرتنه نامیده می‌شود. این کتاب مجموعه‌ای از اشعار منسوب به گوروگوپندسینگه، گوروی دهم سیکه، است که نخستین بار بعد از درگذشت او توسط بهایی منی سینگه (Bhai Mani Singh)، یکی از اصحاب نزدیک وی، در سال ۱۷۳۴ تدوین شده است.

محتوای کتاب بیشتر شامل سه موضوع مهم اساطیر، نکات اخلاقی و شرح زندگی گوروی دهم است. سیکه‌ها تمام اشعار دَسَم گُرتنه را سروده‌ی شخص گوروی دهم می‌دانند؛ ولی مطابق دیدگاه برخی از محققان غیرسیکه، بخش عمده‌ای از این کتاب سروده‌ی اطرافیان و اصحاب گوروی دهم است؛ (Doniger, 1999: 279) چراکه در بارگاه او در شهر اندپور تقریباً پنجاه و دو شاعر و حماسه‌سرای بزرگ حضور داشتند که مهم‌ترین آنها شاعری فارسی‌سرا به نام بهایی نندلال (Bhai Nandlal)، متخلص به گویا (Goya) بوده است که دیوان شعرش نزد سیکه‌ها از جایگاه دینی بسیار بالایی برخوردار است (Singh Mansukhani, nd: 114).

بخش‌های مهم دَسَم گُرُنْتَه

۱. جاپ صاحب (Jāp Sāhib): این بخش قسمتی از نیایش صبحگاهی و مراسم تعمید نوکیشان را تشکیل می‌دهد. این شعر مجموعه‌ای از ابیات موزون در ستایش خداوند است. جاپ صاحب از ۱۹۹ بند به چندین زبان مختلف، مثل سنسکریت، فارسی، عربی، هندی و پنجابی تشکیل شده است. جایگاه جاپ صاحب در دَسَم گُرُنْتَه همانند چپ‌چی صاحب در گوروگُرُنْتَه صاحب است. گوروگوبند سینگه در این شعر دست به ابتکار جالبی زده است، او که به زبان‌های سنسکریت، پنجابی و فارسی مسلط بود و با زبان عربی آشنایی داشت، واژگان فارسی و سنسکریت را با کلمات عربی در هم آمیخت و ترکیبات جدیدی پدید آورد، مانند: «که سَرَبَن کلیمه، که پَرَمَن فهیمه» (Ki Saraban Kalīmai, Ki Paraman Fahimai) در این بیت دو واژه سنسکریت سَرَبَن و پَرَمَن با دو واژه عربی کلیم و فهیم ترکیب شده و به معنی فصیح‌ترین و داناترین به‌کار رفته است و یا «أ» و «آن» را که در سنسکریت برای نفی به‌کار می‌روند و به‌عنوان پیشوند در آغاز کلام می‌آیند، برای کلمات فارسی و عربی به‌کار برد، مانند: اَمَجَبَه (Amajabe) (أ + مَجَب «مذهب») به معنی بدون دین و اَنرَنَجَه (AnRanj) (آن + رَنَجَه «رنج») به معنی بدون رنج (Harbans Singh, 2001: 1/515).

۲. بَچیترا ناتک (Bachitra Nātak)، به معنی نمایش‌نامه شگفت‌آور (wonderful drama)، این بخش شبیه به نوعی نمایش‌نامه است که در آن گوروگوبند سینگه اهداف و آرمان‌های خود را بیان می‌کند.

۳. مجموعه‌ای از اشعار در ستایش خداوند یگانه، شامل اکال اوستات (Akāl Ustat)، شَبَد هزاره (Shabad Hazāre)، تتیس سُوپه (Tattees Swayya).

۴. ظفرنامه، این بخش در حقیقت نامه‌ای است موزون به زبان فارسی که گوروی دهم خطاب به اورنگ زیب امپراتور مغول نوشته است و اورنگ زیب را به سبب ستمکاری‌اش بسیار نکوهش کرده است (Singh Mansukhani, 1988: 114).

مقایسه محتوای گوروگُرُنْتَه صاحب و دَسَم گُرُنْتَه

اگر کتاب مقدس گوروگُرُنْتَه صاحب را با دَسَم گُرُنْتَه مقایسه کنیم به شباهت‌ها و اختلافاتی برمی‌خوریم. نخستین شباهت مهم این دو کتاب دیدگاه‌شان در مورد خداوند

است: هر دو کتاب خداوند یگانه را به‌عنوان موجودی برتر، بدون جسم و شکل، رحیم و مهربان، متشخص جاودان و مافوق اندیشه انسان معرفی می‌کنند. یکی دیگر از شباهت‌های گوروگرتته صاحب و دَسَم گرتته، انحصار راه نجات در ذکر و تمرکز بر نام خداوند، و بی‌اعتبار دانستن دیگر راه‌های نجات است. در دیدگاه انجام‌شناسی، هر دو معتقد به قانون کرمه و تناسخ ارواح هستند و در دیدگاه اجتماعی نیز به‌شدت نظام برتری طبقاتی را نفی می‌کنند و از لحاظ جنسیت نیز زن و مرد را برابر می‌دانند. یکی از دیگر شباهت‌ها نیز این است که هرچند مطالب آنها به زبان‌های مختلفی است، ولی برای نگارش همه آنها از رسم‌الخط گورموکھی استفاده شده است.

اما مهم‌ترین تفاوت گوروگرتته صاحب و دَسَم گرتته را می‌توان در لحن اشعار آنها دانست؛ بیشتر اشعار مندرج در گوروگرتته صاحب لحنی بسیار آرام و عرفانی دارند و انسان را به تسلیم محض در برابر اراده‌ی الهی ترغیب می‌کنند، این در حالی است که اشعار دَسَم گرتته دارای لحنی بسیار حماسی و پرشورند. حتی در دَسَم گرتته آموزه دهرم یوده (Dharam Yudh) به معنی جنگ برای آیین مطرح می‌شود که از برخی جهات شبیه جهاد در اسلام است. در گوروگرتته صاحب بیشتر بر حقیقت مطلق بودن خداوند تأکید می‌شود، در حالی که در دَسَم گرتته خداوند بیشتر به‌عنوان موجودی دادگستر و مشوق مبارزه با ستمگری و تعصب تصویر شده است. شاید بتوان گفت در گوروگرتته صاحب صفت رحمت الهی غلبه دارد و در دَسَم گرتته صفت قدرت الهی (Dogra, 1997: 8).

واران بهایی گورداس (Varan Bhai Gurdas) و دیوان بهایی نندلال (Dīwan Bhaī Nand Lāl)

این دو مجموعه شعر متعلق به دو تن از بزرگان آیین سیکه است که در نظر سیکه‌ها آثاری صرفاً ادبی و هنری، نیستند بلکه منبعی دینی قلمداد می‌گردند. واران بهایی گورداس مجموعه اشعاری شامل ۳۹ قطعه شعر (وار) است که توسط یکی از اصحاب و خویشان گوروی پنجم، گوروارجن، به نام بهایی گورداس (Bhai Gurdas) (۱۵۵۱-۱۶۳۶)

۱. Var؛ اشعاری که بر اساس داستان یا افسانه‌ای سروده شده باشد.

سروده شده است. نام اصلی او پُرْتَهَم بود، ولی به سبب علاقه زیاد و اطاعت محض از گورو به گورداس، به معنی بنده گورو، مشهور شد. او نوه سومین گورو، گوروامرداس، بود؛ به همین دلیل گوروها او را با لقب عموی بزرگ می خواندند و به او بسیار احترام می گذاشتند.

گورداس عمری طولانی داشت و شاهد دوران چهار گورو، از گورو سوم تا دوران گورو ششم بود (Singh Seti, 2003: 64). گورداس فردی دانشمند و مسلط به زبان های مختلفی مثل پنجابی، هندی، سنسکریت و فارسی بود و در شاعری نیز مهارت داشت. به فرمان گوروارجن اولین نسخه کتاب مقدس آدی گرتنه توسط او جمع آوری و نوشته شد. گورداس یکی از نویسندگان جنم ساکھی نیز محسوب می شود (McLeod, 2002: 91).

سروده های او چنان جایگاهی در آیین سیکه دارد که گورو پنجم اشعار بهایی گورداس را به لقب «گوربانی دی کونجی» (Gurbānī dī Kunjī / गुरबान्नी दी कुंजी) به معنی کلید فهم اشعار کتاب مقدس گوروگرتنه صاحب ملقب کرد. به همین دلیل با اینکه سروده های او در کتاب مقدس درج نشده است، ولی در معابد سیکه همانند اشعار کتاب مقدس در کیرتن^۱ خوانده می شوند.

مضمون این اشعار توضیح و تفسیر معارف، اخلاقیات، اصطلاحات مهم الاهیات، و مهم ترین آموزه های گوروها مانند: سنگت، هومی، گورموکه، منموکه و... است؛ مثلاً در نخستین وار - که از همه طولانی تر است - جریان خلقت جهان و چهار دوره جهان (یوگه)^۲ تشریح شده، پس از آن عواقب مشکلات اخلاقی انسان که در دنیا به صورت افزایش گناه (پاپه / Pāpa) جلوه می کند بیان شده است (Harbans, Singh, 2001: 4/411).

دیوان بهایی نندلال یکی دیگر از منابع مهم دینی آیین سیکه محسوب می شود. این دیوان شعر را بهایی نندلال (Bhāi Nand Lāl) (۱۶۳۳-۱۷۱۳) که از مریدان و شاگردان

۱. Kirtan؛ خواندن آهنگین سرودهای مقدس.

۲. Yuga؛ ادوار چهارگانه که ماها یوگه (Mahayuga) نامیده می شود، دارای چهار عصر است: کریتایوگه (Krtayuga) تر تایوگه (Tretayuga) دواپارایوگه (Dvaparayuga) کالی یوگه (Kaliyuga). رک: ادیان و مکتبهای فلسفی هند، داریوش شایگان، جلد اول، ص ۲۸۱.

گوروی دهم، گوروگوبند سینگه، بود سروده است. او از شعرای بزرگ و محبوب آیین سیکه است که اشعارش مانند بهایی گورداس تبیین‌کننده اعتقادات بنیادین این آیین قلمداد می‌شود. او کاملاً به زبان فارسی مسلط بود و به آن بسیار علاقه داشت، به همین دلیل تمام اشعارش را، به استثنای یکی از آنها به نام جُتی بیگاس (Joti Bigās)، به زبان فارسی سرود؛ البته تمام اشعار این دیوان نیز به رسم‌الخط دینی این آیین، گورموکھی (Gurmukhi)، نوشته شده است. تخلص شعری او «گویا» است؛ به همین دلیل به نام نندلال گویا نیز مشهور است (McLeod, 1999: 81 & Harbans Singh: 3/195).

جنم‌ساکھی‌ها (Jamansākhi)

واژه جنم‌ساکھی از دو بخش، جنم به معنی زندگی و ساکھی که از ریشه سنسکریت «ساکشیه» (Sākṣya) و به معنای گواه، دلیل و داستان است تشکیل شده است؛ بنابراین معنی این واژه در زبان پنجابی «داستان زندگی» است (Harbans Singh, 2001: 2/337). در اصطلاح جنم‌ساکھی به مجموعه گزارش‌هایی از سیره زندگی گورونانک اطلاق می‌شود که توسط پیروان وی سینه به سینه نقل شده و بعدها در مجموعه کتاب‌هایی جمع‌آوری شده است. این زندگی‌نامه‌ها در زمان‌های متفاوت و بر طبق روایات مختلفی، پس از درگذشت گورونانک به ثبت رسیده‌اند، ولی راوی بیشتر آنها شخصی به نام بهای‌بالا^۱ است (Ramesh Chander Dogra, 1997: 230). برای نگارش جنم‌ساکھی‌ها از خط گورموکھی و زبان‌های پنجابی و سادھوکاری (Sādhukāri) یا سنّت بهاشا^۲ استفاده شده است.

امروزه چهار جنم‌ساکھی مشهور و معتبر موجود است که عبارت‌اند از: پُراتن جنم‌ساکھی (Puratan Janamsākhi) — که به نام ولایت والی جنم‌ساکھی (Viāitvālī Janamsākhi) نیز نامیده می‌شود، بهای‌بالا جنم‌ساکھی (Bhāi Bālā Janamsākhi)، مهربان

۱. Bhāi Bālā؛ بهایی باله (Bhāi Bālā) نیز تلفظ می‌شود. به باور سیکه‌ها او مرید و همسفر وفادار گورونانک بوده است.

۲. Sant bhasha؛ معنی لغوی این کلمه زبان سنّت‌هاست. چراکه این زبان بیشتر در میان بزرگان و عرفای مناطق شمالی هند که سنّت نامیده می‌شدند رواج داشته است.

جَنَمِ سَاکَهی (Miharban Janamsākhi) و سَنی سَینَگَه جَنَمِ سَاکَهی (Mani Singh Janamsākhi) - که با نام گِیان رَتَنَوَالی (Giān Ratanāvālī) نیز شناخته می‌شود (Owen Cole, 1984: 166 & Bowker, 1997: 490). از نظر محتوا، تمام جَنَمِ سَاکَهی‌های موجود صرفاً به زندگی گورونانک پرداخته‌اند و هیچ‌کدام از نُه گوروی بعدی را شامل نمی‌شوند.

به نظر می‌رسد در جَنَمِ سَاکَهی‌ها بیشتر بر استفاده از الفاظ زیبا و ادبی تأکید شده است؛ چراکه بسیاری از داستان‌هایی که در آنها نقل شده چندان دقیق نیستند؛ مثلاً اسامی اماکن دقیقاً مشخص نیست. از طرفی، برخی از وقایعی که در جَنَمِ سَاکَهی‌ها درباره گورونانک بیان شده توسط منابع تاریخی دیگری که در دوران گورونانک نگاشته شده‌اند تأیید نمی‌شوند. شاید علت این امر این باشد که جَنَمِ سَاکَهی‌ها مدت‌ها پس از زمان حیات گورونانک، در حدود قرن هفدهم میلادی، نگاشته شده‌اند. در حقیقت جَنَمِ سَاکَهی‌ها صرفاً بازگوکننده وقایع تاریخی مربوط به زندگی گورونانک نیستند، بلکه این مجموعه روایات بیان‌کننده ایمان جامعه سیکه (panth) به ماهیت ماورایی و خارق‌العاده گورونانک و نشان‌دهنده اعتقاد آنان به آیین خود است (Owen Cole, 1997: 87). هرچند دقیقاً معلوم نیست که قبل از نگارش جَنَمِ سَاکَهی‌ها منابع تاریخی دیگری از زندگی گورونانک موجود بوده است یا نه، ولی مسلم است که جَنَمِ سَاکَهی‌ها جزو قدیمی‌ترین منابع روایی‌ای هستند که درباره زندگی گورونانک در اختیار داریم.

از میان جَنَمِ سَاکَهی‌های چهارگانه، پُراتن جَنَمِ سَاکَهی از همه قدیمی‌تر است. نخستین بار این جَنَمِ سَاکَهی را در سال ۱۸۷۲ یکی از هندشناسان کمپانی هند شرقی در کلکته کشف کرد. بعدها شاعر و دانشمند بزرگ پنجابی بهای ویرسینگه (۱۸۷۲-۱۹۵۷) با مطالعه و مقایسه این جَنَمِ سَاکَهی با دیگر جَنَمِ سَاکَهی‌های موجود، نسخه نهایی آن را تهیه کرد که در سال ۱۹۲۶ به نام پُراتن جَنَمِ سَاکَهی، به معنی جَنَمِ سَاکَهی باستانی، منتشر شد (Owen Cole, 1989: 167). با توجه به شواهد بسیار می‌توان گفت این نسخه از جَنَمِ سَاکَهی قدیمی‌ترین جَنَمِ سَاکَهی است. البته با توجه به برخی از اشاراتی که در متن وجود دارد، به نظر می‌رسد این جَنَمِ سَاکَهی نیز حدود هشتاد سال بعد از درگذشت گورونانک نوشته شده باشد. البته این امکان وجود دارد که زندگی‌نامه‌های دیگری نیز قبل از این جَنَمِ سَاکَهی نوشته شده باشند ولی به دست ما نرسیده باشند.

تنها *جَنَم ساکھی* ای که مصنف مشخصی دارد، *جَنَم ساکھی سوڈھی* مهربان است. این *جَنَم ساکھی* به نام سوڈھی مهربان، نوۀ گوروی چهارم، گورورام داس، است. ولی با توجه به اینکه پدر او پُرتھی چند (Prethi Chand) که فرزند گورورام داس بود، با پدر بزرگش اختلاف داشت و در دربار مغولان خدمت می کرد، *جَنَم ساکھی* او از اعتبار زیادی برخوردار نبود. ولی هنگامی که دکتر گنڈاسینگھ، از دانشمندان بزرگ سیکه، آن *جَنَم ساکھی* را نسخه قابل اعتمادی معرفی کرد، در نزد عوام سیکه مقبولیت یافت. امروزه در تحقیقاتی که در زمینه تاریخ آیین سیکه انجام می شود، حداقل در مورد تاریخ تولد گورونانک، مهربان *جَنَم ساکھی* یکی از مهم ترین منابع محسوب می شود. دوران تصنیف مهربان *جَنَم ساکھی* حدوداً هم عصر با پُراتن *جَنَم ساکھی* است. سومین *جَنَم ساکھی* مشهور، بهای بالا *جَنَم ساکھی* است. این نسخه از *جَنَم ساکھی* تا پیش از کشف پُراتن *جَنَم ساکھی* به عنوان تنها منبع مستند و مورد قبول بود؛ چراکه نویسنده آن یعنی بهای بالا در دوران گوروانگد زندگی می کرده و از نزدیکان وی محسوب می شده است. در نهایت چهارمین و متأخرترین *جَنَم ساکھی*، *جَنَم ساکھی منی سینگھ* است (سینگھ، ۱۹۷۵: ۱۵).

کتاب نامہ

- سینگھ، ہربنس (۱۹۷۵)، گورونانک، محمد حسن، ہند: انتشارات پنجابی یونیورسٹی، پٹیالا، پنجاب، (اردو).
- Bowker, John (1997), *The Oxford Dictionary of World Religions*, Oxford University Press, Oxford New York.
- Dogra, Ramesh Chander & Singh Mansukhani, Gobind (1997), *Encyclopaedia Of Sikh Religion and Culture*, Delhi: Vikas Publishing House PVT LTD.
- Doniger, Wendy (1999), *Encyclopedia of World Religions*, Merriam-webster, Incorporated, USA.
- McLeod, W. H. (2002), *Historical Dictionary of Sikhism*, Oxford, UK.
- _____ (1999), *Sikhs and Sikhism (The Sikh Scriptures)*, Oxford University.
- Owen Cole, W. & Piara Singh Sambhi (1997), *A popular Dictionary of Sikhism*, Curzon Press, United States of America.
- _____ (1984), *Sikhism and Its Indian Context 1469, 1708*, D.K. Agencies, Ltd H12, Balinagar, New Delhi.
- Singh Mansukhani, S. Gobind (1968), *Introduction to Sikhism Sikhism; 125 queseion and asnwerson Sikhism*, 2drev. ed. New Dehli: Indiabook House.
- Singh Seti, Harjindar (2003), *So sawal So jawab*, Akalan, Mumbai, (Hindi).
- Singh, Harbans (2001), *The Encyclopaedia of Sikhism*, Punjabi University, Patiala.
- Singh, I. J. (1997), *Sikhs and Sikhism A View With a Bias*, Manohar, New Delhi.
- Singh, Sarbajandar (2004), *ਧੁਰ ਕੀ ਬਾਣੀ (Dhur ki Bāni)*, Sikh foundation lajpat nagar,1, New Delhi, INDIA, (Gurmukhi).